

حرکت فرضی در زبان فارسی: رویکردی شناختی به مسیرهای گسترشی^۱

آزینا افراشی^۲

دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آسیه رحمانی^۳

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

چکیده

با توجه به نقش مهم درک حرکت و بازنمایی آن در زبان و شناخت، مقاله حاضر به گونه خاصی از حرکت می‌پردازد که حرکت فرضی نام دارد. در حرکت فرضی که یکی از انواع بازنمودهای مجازی حرکت در زبان است، حرکت به پدیده‌ها و اشیائی که فاقد توانایی حرکت هستند، نسبت داده می‌شود. بر این اساس با توجه به این که تاکنون پژوهشی درباره حرکت فرضی در زبان فارسی صورت نگرفته است، این مقاله می‌کوشد تا به طبقه‌بندی و ماهیت حرکت فرضی از نوع مسیرهای گسترشی در زبان فارسی بپردازد. البته باید توجه داشت که حرکت فرضی تفاوتی بنیادی با حرکت در معنای استعاری آن دارد. این پژوهش در قالب یک بررسی پیکره‌بنیاد می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا در زبان فارسی برای اشاره به موجودیت‌های ساکن از افعال حرکتی استفاده می‌شود؟ مطابق نتایج به‌دست‌آمده، زبان فارسی در مقایسه با زبانی مانند انگلیسی، گرایش چندانی به کاربرد عبارات بیان‌گر حرکت فرضی ندارد. البته این نتیجه درباره گونه محاوره‌ای زبان فارسی صدق می‌کند و بازنمود حرکت فرضی در گونه ادبی زبان فارسی می‌تواند موضوع بررسی دیگری قرار گیرد. نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی در کنار نتایجی که از مطالعه حرکت فرضی در زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، چینی ماندارین و لهستانی به دست آمده است، می‌تواند جایگاه حرکت فرضی در مفهوم‌سازی را به مثابه یک ویژگی جهانی یا یک گرایش رده‌شناختی مطرح کند.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، رویداد حرکتی، مفهوم‌سازی حرکت، حرکت فرضی، مسیرهای گسترشی.

۱- مقدمه

زمینه‌ساز پژوهش حاضر، پژوهش‌های فراگیر در حوزه حرکت است. حرکت یک تجربه مبنا و فراگیر در زندگی بشر است و بسیاری از مفاهیم در حوزه‌های انتزاعی بر اساس درک حرکت شکل می‌گیرند. موضوعی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، حرکت فرضی^۴ است. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، زبان‌ها در موارد بسیاری برای توصیف موقعیت‌های ساکن از افعال حرکتی استفاده می‌کنند. این موضوع در زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، چینی ماندارین، لهستانی و زبان‌های دیگری بررسی شده است. برخی روانشناسان و زبان‌شناسان شناختی معتقدند که کاربرد افعال حرکتی برای موقعیت‌های ساکن توسط سخنگویان زبان‌های مختلف، بازتابی از اهمیت و جایگاه حرکت در ذهن انسان است و توانایی ذهنی انسان در شبیه‌سازی حرکت، موجد کاربرد و نقش جملات بیانگر حرکت فرضی است (متلاک^۵، ۲۰۰۴: ۱۳).

اگرچه در این حوزه پژوهش‌های اندکی در زبان‌های مختلف انجام شده است، اما بر اساس همین اندک پژوهش‌ها، به نظر می‌رسد که زبان‌ها در کاربرد عباراتی که حرکت فرضی را نشان می‌دهند، با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارند. در زبان انگلیسی، حرکت فرضی در سطح بسیار وسیعی، در انواع جملات و عبارات به کار می‌رود، اما به نظر می‌رسد در بعضی از زبان‌ها از جمله فارسی، شاهد این وسعت در کاربرد نیستیم. شماری از اندک پژوهش‌های انجام‌شده بر حرکت فرضی در زبان‌های مختلف به مقایسه کاربرد عبارات بیانگر حرکت فرضی در این زبان‌ها با کاربرد آنها در زبان انگلیسی پرداخته‌اند. تالمی^۶ (۲۰۰۰) برای نخستین بار به طور جدی به بررسی کاربرد این عبارات در زبان انگلیسی پرداخت و زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی در این خصوص، در زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر شد. در این پژوهش می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در زبان فارسی نیز برای اشاره به موجودیت‌های ساکن از افعال حرکتی استفاده می‌شود؟

چنان‌که در این مقاله خواهیم دید، حرکت فرضی در انواع مختلفی معرفی شده است که هر یک موضوعی جداگانه برای پژوهش محسوب می‌شوند و مقاله حاضر فقط به نوع مسیره‌های گسترشی^۷ می‌پردازد.

4. fictive motion

5. T. Matlock

6. L. Talmy

7. coextension paths

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، وام‌گرفته از والینسکی (۲۰۱۳) در مقاله‌ی زمان‌مندی عبارت‌های مسیرهای گسترشی در پیکره‌ی ملی بریتانیایی^۸ است؛ بر این اساس، ما برای جستجو مرزنامه‌هایی را برگزیدیم که می‌توانند به صورت بالقوه در عبارات مسیرهای گسترشی جلوه‌گر شوند. همچنین با در نظر داشتن دسته‌بندی والینسکی از افعال حرکتی انتخابی خود برای جستجو، تعدادی از افعال حرکتی متناسب را در زبان فارسی برای جستجو انتخاب کردیم. سپس هر یک از مرزنامه‌ها را با افعال حرکتی متناسب در پایگاه داده‌های زبان فارسی و نیز جویشر گوگل جستجو کردیم.

۲- مروری بر مطالعات پیشین

تالمی (۲۰۰۰) در پژوهش خود به تعریف مفهوم حرکت فرضی و توصیف انواع آن پرداخته است. او هر کدام از انواع حرکت فرضی را به طور جداگانه تعریف کرده و برای هر کدام نمونه‌هایی از زبان انگلیسی آورده است. وی در دو بخش جداگانه، ابتدا به توضیح حرکت فرضی در زبان و سپس در ادراک پرداخته است. تاکاهاشی^۹ (۲۰۰۰) نوع مسیرهای پرتوی^{۱۰} حرکت فرضی را در زبان تایلندی بررسی کرده است. وی دو نوع مدل شناختی برای نوع یا رویدادهای پرتوی به دست می‌آورد. او این رویدادها را در زبان تایلندی بر اساس نوع حرکت به چهار طبقه معنایی تقسیم می‌کند. متلاک (۲۰۰۱، ۲۰۰۴) با اشاره به شواهد تجربی، انگیزش حرکت فرضی و شبیه‌سازی حرکت را در ذهن انسان توضیح داده است. روخو^{۱۱} و والنزوللا^{۱۲} (۲۰۰۳) در یک بررسی، عبارات بیانگر حرکت فرضی را در انگلیسی و اسپانیایی با هم مقایسه کرده‌اند. آنها زبان انگلیسی را در کاربرد افعال حرکتی در حرکت فرضی، دارای تنوع بیشتری در مقایسه با اسپانیایی دانسته‌اند. والینسکی^{۱۳} (۲۰۱۳) در پژوهشی پیکره‌بنیاد بازنمودهای زمانی را در نوع مسیرهای گسترشی حرکت فرضی در زبان انگلیسی بررسی کرده است. به گفته‌ی او نتایج این پژوهش پیکره‌بنیاد تأییدی است بر این نظر تالمی (۲۰۰۰) که حرکت فرضی می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون توسط فرد واحد تجسم‌های گوناگونی از تجربه‌ی حرکت را در پی داشته باشد.

8. Temporality of Coextension Path Expressions in the British National Corpus

9. K. Takahashi

10. emanation paths

11. A. Rojo

12. J. Valenzuela

13. J. T. Walinski

شماری از پژوهش‌ها، رویدادهای حرکتی را در زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند. از کیا و ساسانی (۱۳۹۱) به نقد و بررسی الگوهای واژگانی رویداد حرکتی و اصلاح این الگوها بر اساس داده‌های زبان فارسی پرداخته‌اند. مسگر خوبی (۱۳۹۲) در پژوهش خود، فعل‌های حرکتی زبان فارسی را از فرهنگ سخن استخراج کرده و به بررسی ادغام مؤلفه‌های رویداد حرکتی در افعال حرکتی زبان فارسی پرداخته است. به گفته او، ادغام یک واحد معنایی مسیر یا شیوه در ستاک فعل، رایج‌ترین الگوی واژگانی شدگی در زبان فارسی است. گلفام و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی پیکره‌بنیاد به بررسی مفهوم‌سازی افعال حرکتی بسیط در زبان فارسی با رویکردی شناختی پرداخته و به نقش هر یک از مؤلفه‌های مسیر، مقصد، شیوه و سبب در چگونگی مفهوم‌سازی این افعال، به ترتیب بسامد، اشاره می‌کنند. پشتوان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی آماری چگونگی رمزگذاری مؤلفه‌های مسیر و شیوه را در گفتار روایی کودکان فارسی‌زبان بررسی و آن را با گفتار بزرگسالان مقایسه کرده‌اند. در میان این پژوهش‌ها که رویدادهای حرکتی را در زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند، پرداختن به این رویدادها در معنای غیرواقعی خود در زبان فارسی یعنی حرکت فرضی نیز ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، در این بررسی به یکی از انواع حرکت فرضی، یعنی نوع مسیرهای گسترشی می‌پردازیم. برای ورود به بحث حرکت فرضی بهتر است ابتدا به کاربردهای گوناگون افعال حرکتی در زبان اشاره کنیم.

۳- انواع کاربرد افعال حرکتی در زبان

عبارت‌هایی را که در زبان به حرکت اشاره می‌کنند، می‌توان به دو نوع واقعی^{۱۴} و مجازی^{۱۵} تقسیم کرد. نوع واقعی یعنی «عباراتی که در آنها حرکت در معنای واقعی خود بیان شده است؛ یعنی هنگامی که یک تغییر مکان واقعی در جملات واقعی با معنای تحت‌اللفظی بیان می‌شود» (کاچپاری و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۹)؛ مانند جمله‌های (۱) و (۲):

(۱) او به سمت در دوید.

2) The man turns left.

14. literal

15. figurative

نوع دوم عباراتی را دربرمی‌گیرد که در آنها حرکت کاربردی غیرواقعی دارد. این نوع، خود انواعی را شامل می‌شود از جمله کاربرد استعاری حرکت در جملات (۳) و (۴):

(۳) زمستان نزدیک می‌شود.

4) Christmas is coming.

و نیز توجه به کاربرد اصطلاحی حرکت در جمله (۵) ضروری به نظر می‌رسد:

5) I want to turn a new leaf (کاجپاری و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۹)

نوعی دیگر از کاربرد غیرواقعی حرکت که موضوع بحث ما در این مقاله است، حرکت فرضی نامیده می‌شود. در قسمت (۳-۱) حرکت فرضی را توصیف می‌کنیم.

۳-۱- حرکت فرضی

«حرکت فرضی به بازنمودهای مجازی حرکت اشاره دارد که به چیزها، حالت‌ها یا مفاهیم انتزاعی مادی بی‌حرکتی نسبت داده می‌شوند که در آنها معنای افعال حرکتی برای نشان دادن روابطی که شامل حرکت یا تغییر حالت نمی‌شوند، گسترش یافته است».

(والینسکی، ۲۰۱۳: ۱)

تالمی (۲۰۰۰) در فصلی از کتاب به سوی معناشناسی شناختی^{۱۶}، بر الگویی تمرکز می‌کند که بر تفاوت بین دو بازنمود شناختی از یک موجودیت استوار است. از بین این دو بازنمود، یکی واقعی‌تر^{۱۷} از دیگری است. در موضوع مورد بحث ما، بازنمود واقعی‌تر همان سکون واقعی است، یعنی سکون اشیاء یا موجودیت‌های ساکن^{۱۸}. در مقابل، بازنمود غیرواقعی^{۱۹}، حرکت فرضی موجودیت‌هایی است که ما آنها را ساکن می‌دانیم. این بازنمود از طریق کاربرد واقعی

16. Toward a Cognitive Semantics

17. veridical

18- در اینجا توضیح این نکته ضروری است که در رویکرد تالمی به حرکت، رویداد حرکت بر یک پیوستار قابل بررسی است که در فاصله سکون تا نمونه‌اعلای حرکت واقع می‌شود. به همین دلیل، در این بررسی سکون هم در رویداد حرکتی مطالعه می‌گردد.

19. non-veridical

جمله بیان می‌شود. در الگویی که تالمی آن را 'مجاز عمومیت‌یافته'^{۲۰} می‌نامد، حرکت فرضی با سکون واقعی پیوند خورده است، یعنی الگویی (زبانی) که در آن معنای واقعی یک جمله حرکت را به مصداقی نسبت می‌دهد که یک فرد به طور طبیعی آن را ساکن می‌داند. مثلاً در جمله:

6) This fence goes from the plateau to the valley.

(نرده از بلندی تپه به سمت دره می‌رود.)

ما می‌دانیم و باور داریم که "fence" ساکن است، در حالی که معنای واقعی جمله آن را متحرک معرفی می‌کند (تالمی، ۲۰۰۰: ۱۱۰). مارتینز لوزا^{۲۱} درباره این مثال تالمی می‌گوید:

«ما عناصری را که در همه رویدادهای حرکتی وجود دارد در این نوع عبارتها نیز، (عناصری مثل مبدأ، مقصد، شیء متحرک یا رد حرکت^{۲۲}، مسیر و حرکت در طول یک مسیر)، اما حرکتی که در این عبارات توصیف می‌شود نمی‌تواند اتفاق بیفتد، زیرا ما از رهگذر تجربه خود در جهان می‌دانیم که نرده نمی‌تواند از یک مبدأ به یک مقصد حرکت کند».

(مارتینز لوزا، ۲۰۰۷: ۵۶۲-۵۶۳)

به بیان ساده‌تر، حرکت فرضی در زبان شامل نمونه‌هایی است که در آنها افعال حرکتی بر حرکت دلالت نمی‌کنند؛ یعنی برای توصیف موقعیتی به کار می‌روند که به طور واقعی در آن حرکت رخ نمی‌دهد:

(۷) این جاده از قم به کاشان می‌رود.

جاده موجودیتی ساکن است اما برای اشاره به آن فعل حرکتی به کار رفته است و این همان حرکت فرضی در زبان است. متلاک برخی ویژگی‌هایی را که در زبان انگلیسی در حرکت فرضی مشاهده می‌شود، برمی‌شمرد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم. چنان‌که خواهیم دید برخی از این ویژگی‌ها در زبان فارسی نیز وجود دارند و برخی دیگر شاهدهی در زبان فارسی ندارند.

۲۰- در اینجا منظور از مجاز غیرواقعی بودن است، نه مجاز در مفهوم ادبی آن. اصطلاح 'مجاز عمومیت‌یافته' معادلی است برای عبارت 'general fictivity'

21. N. J. Martinez-Losa

22. trajector

جمله‌های بیانگر حرکت فرضی، اغلب دربردارندهٔ واژه‌ها و عبارتهایی هستند که در پیوند با حرکت فیزیکی است، مانند جهت^{۲۳} در مثال (۸):

8) The road runs **north** (متلاک، ۲۰۰۴b: ۶)

و همچنین جمله:

(۹) وارد اتوبان شمارهٔ ۲ می‌شید، که به سمت شرق می‌ره.

همچنین مدت زمان^{۲۴} در جمله (۱۰):

10) The road runs along the coast **for 2 hours**.

همچنین ما در این جملات شاهد کاربرد افعال شیوه‌نما^{۲۵} هستیم، مانند جمله (۱۱):

11) The freeway **races** past the city.^{۲۶}

جملات بیانگر حرکت فرضی را می‌توان دو نوع در نظر گرفت (متلاک، ۲۰۰۴a: ۱). نوع اول، جملات اشاره‌گر به مسیرهایی که به خودی خود با حرکت مرتبطاند، مانند مثال (۱۰) که به مسیر قابل عبوری چون "جاده" اشاره می‌کند. نوع دوم نیز جملاتی مانند جمله (۶) را شامل می‌شوند که در آنها گروه اسمی فاعل، یک مسیر یا مانع غیرقابل عبور همچون "ترده" را توصیف می‌کند. در جملات نوع اول با استفاده از افعال شیوه‌نما اطلاعاتی راجع به شیوهٔ حرکت ارائه می‌شود، مانند جمله (۱۱). در این جمله، فعل حرکتی شیوهٔ حرکت متحرک‌هایی را توصیف می‌کند که معمولاً در آن مسیر حرکت می‌کنند.

12) The highway **crawls** through the city.

بزرگراه به کندی از داخل شهر عبور می‌کند.

۲۳- این ویژگی به همراه چند ویژگی دیگر که پس از آن نام برده می‌شود، از خصوصیات نوع مسیرهای گسترشی حرکت فرضی است و اگر برای انواع دیگر آن هم صدق کند، موضوع بحث این مقاله نیست.

24. duration

25. manner verbs

۲۶- چنان‌که خواهیم دید، در جملات بیانگر حرکت فرضی از نوع مسیرهای گسترشی در زبان فارسی، بازنمودهای مکانی و زمانی و نیز استفاده از افعال شیوه‌نما کاربرد ندارد.

در جمله‌هایی مانند جمله (۱۲)، این افعال شیوه‌نما هیچ‌گونه حرکت واقعی یا شیوه مشخصی از حرکت را توصیف نمی‌کنند؛ بلکه حاوی اطلاعاتی هستند درباره شیوه حرکتی که در امتداد مسیر ذکر شده می‌تواند (توسط متحرک‌ها) اتفاق بیفتد. در مثال (۱۲)، فعل **“crawl”** مجازاً حرکت آهسته (ماشین‌ها) را در بزرگراه بیان می‌کند (متلاک، ۲۰۰۴a).

۳-۱-۱- حرکت فرضی و استعاره

برخی باور دارند که حرکت فرضی از انواع بسط استعاری افعال حرکتی به شمار می‌رود، اما در واقع این نوع از کاربرد افعال حرکتی با کاربردهای استعاری حرکت تفاوتی اساسی دارد. کاپیاری و دیگران (۲۰۱۱) در برشمردن انواع کاربردهای افعال حرکتی، فرض می‌کنند که مؤلفه حرکتی فعل در جمله‌های واقعی و استعاری باقی می‌ماند، با این تفاوت که فعل حرکتی در معنای استعاری در سطح بالاتری از انتزاع قرار دارد. متلاک (۲۰۰۱) بین حرکت فرضی و سایر کاربردهای مجازی حرکت که حاوی هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره حرکت یا مکان نیستند، تفاوت قائل است:

13) His moods went from good to bad.

14) The highway runs through the valley.

در مثال (۱۳)، فعل حرکتی کاربردی استعاری دارد و به یک تغییر حالت برمی‌گردد. در واقع این جمله استعاره مفهومی **“تغییر، حرکت است”** را منعکس می‌کند. در این استعاره، حرکت از یک مکان به مکان دیگر، به یک تغییر (از یک عاطفه مثبت به یک عاطفه منفی) نگاشت می‌شود. این در حالی است که در مثال (۱۴) که بیانگر حرکت فرضی است، تغییری مدنظر نیست (بزرگراه همواره در وضعیت سکون قرار دارد).

۳-۱-۲- تبیین شناختی حرکت فرضی

تفکر انسان بر مبنای شبیه‌سازی بسیاری از فعالیت‌ها و کارها در ذهن او قرار دارد. انسان خود و دیگران را در حال انجام کارهای گوناگون تصور می‌کند. انسان حتی کارهایی را تصور می‌کند که نه تنها آنها را انجام نداده، بلکه هرگز شاهد انجام آنها نیز نبوده است (متلاک، ۲۰۰۴b). برخی مطالعات حاکی از این است که این شبیه‌سازی ذهنی در زبان مجازی و به طور خاص در جمله‌های دارای مفهوم حرکت فرضی نیز نقش مهمی دارد.

تجربه‌هایی که با حرکت همراه هستند، درک ما را از جهان شکل می‌دهند؛ اینکه چطور درباره مکان، فاصله و... استدلال می‌کنیم و اینکه چطور با اشیاء فیزیکی روبه‌رو می‌شویم، از جمله مبانی شناخت ما از جهان هستند. بیشتر افراد می‌توانند به سادگی به شیئی نگاه کنند و در یک چشم بر هم زدن، طول و فاصله نسبی (آن) را با اشیاء دیگر تخمین بزنند (گلنبرگ^{۲۷}، ۱۹۹۹ به نقل از متلاک، ۲۰۰۱). انسان‌ها حتی می‌توانند وقتی چیزی برای نگاه کردن وجود ندارد، تصاویر سه‌بعدی را تولید کنند و دریابند (فینکه^{۲۸}، ۱۹۸۶ و شپارد^{۲۹}، ۱۹۸۷ به نقل از متلاک، ۲۰۰۱) و با جابه‌جایی ذهنی، حرکت را بر آنها تحمیل کنند.

به گفته متلاک، حرکت فرضی در بعضی نمونه‌ها، حرکت شبیه‌سازی‌شده ذهنی و در نمونه‌های دیگر، مرور شبیه‌سازی‌شده دیداری^{۳۰} را دربردارد.

15) The highway runs through the valley.

در مثال (۱۵)، خواننده حرکت فرضی را در امتداد مسیر بزرگراه شبیه‌سازی می‌کند.

16) The fence goes from Watsonville to Capitola.

در مثال (۱۶)، هیچ مسیر قابل عبوری (جاده، بزرگراه و...) ترسیم نشده است و خواننده هنگام پردازش این جمله مرور دیداری را در ذهن شبیه‌سازی می‌کند.

با توجه به نقل این مثال‌ها توسط متلاک، به نظر می‌رسد در نمونه‌هایی که جمله به یک مسیر قابل عبور^{۳۱} اشاره دارد، خواننده حرکت فرضی را در ذهن خود شبیه‌سازی می‌کند، مثلاً خود یا موجودیتی دیگر را در امتداد یک جاده در حال حرکت فرض می‌کند. در مقابل، زمانی که جمله یک مسیر یا مانع غیرقابل عبور^{۳۲} را توصیف می‌کند، خواننده مرور دیداری را در ذهن شبیه‌سازی می‌کند.^{۳۳}

متلاک (۲۰۰۴a) در مقاله‌ای با عنوان انگیزش مفهومی حرکت فرضی، به مطالعات تجربی خود در زمینه تأثیر حرکت شبیه‌سازی‌شده ذهنی بر درک زبان اشاره می‌کند. او در یکی از

27. A. M. Glenberg

28. R. A. Finke

29. R. N. Shephard

30. simulated visual scanning

۳۱- مسیرهای قابل عبور مانند جاده، خیابان، بزرگراه، کوچه و ...

۳۲- موانع غیرقابل عبور مانند نرده، دیوار و ...

۳۳- برای اطلاعات بیشتر رک. متلاک (۲۰۰۴b).

آزمون‌های خود، از مجموعه آزمون‌هایی با نام «تصمیم‌گیری»^{۳۴} استفاده کرد و مقدار زمانی را سنجید که افراد جمله‌های تعیین‌شده‌ای را (که بیانگر حرکت فرضی هستند) در بافت‌های گوناگون بخوانند و درباره آنها تصمیم بگیرند. آزمون‌ورها هنگامی که داستانی درباره حرکت سریع می‌خوانند، در مقایسه با زمانی که داستانی درباره حرکت آهسته می‌خوانند، تصمیم‌های سریع‌تری می‌گرفتند. همچنین در آزمون دیگری از آزمون‌ورها خواسته می‌شد که جملات ارائه‌شده را به صورت نقاشی بکشند. یک جفت از جملات ارائه‌شده، این دو جمله بودند:

17) The lake runs between the golf course and the railroad tracks.

18) The lake is between the golf course and the railroad tracks.

در جمله (۱۷) از فعل حرکتی و در جمله (۱۸) از فعل ربطی استفاده شده است. نتایج آزمون نکته بسیار جالبی در برداشت؛ تمامی شرکت‌کنندگان در جمله اول، یعنی جمله دربردارنده فعل حرکتی، دریاچه را باریک‌تر نقاشی کرده بودند و این بدون شک مؤید این ایده است که افراد هنگام خواندن جملات حرکت فرضی، حرکت را به صورت ذهنی شبیه‌سازی می‌کنند.

19) The table goes from the kitchen wall to the sliding glass door.

متلاک (همان) با مثالی مشابه اشاره می‌کند که وقتی خواننده جمله‌ای مانند جمله (۱۹) را می‌خواند، به طور ناخودآگاه میز باریک و دراز را تصور می‌کند که حتی می‌تواند یک میز بیضی‌شکل یا مستطیلی باشد؛ اما هرگز یک میز آشپزخانه کوچک گرد یا یک میز قهوه‌خوری چهارگوشه را تصور نمی‌کند. متلاک این محدودیت^{۳۵} را ناشی از ویژگی‌های مفهومی ذاتی ساختار حرکت می‌داند، ویژگی‌هایی چون اطلاعات حرکتی که توسط فعل حرکتی ارائه شده است. وی به درستی یادآور می‌شود که وقتی در چنین ساختارهایی فعل ربطی به جای فعل حرکتی به کار می‌رود، این محدودیت از بین می‌رود.

۳-۱-۳- انواع حرکت فرضی

تالمی (۲۰۰۰) حرکت فرضی را به طبقات گوناگونی تقسیم می‌کند و برای هر کدام از این طبقات ویژگی‌هایی برمی‌شمرد. بعضی از این طبقات شامل زیرطبقاتی هستند. اولین طبقه‌ای که

34. making decision

35. restriction

تالمی به آن اشاره می‌کند، نوع پرتوی است که خود چهار زیرطبقه را دربرمی‌گیرد: مسیرهای جهت‌نما^{۳۶}، مسیرهای شعاعی^{۳۷}، مسیرهای سایه‌ای^{۳۸} و مسیرهای حسی^{۳۹}. پس از مسیرهای پرتوی، تالمی پنج طبقه دیگر برای حرکت فرضی برمی‌شمرد: مسیرهای الگو^{۴۰}، حرکت تابعی^{۴۱}، مسیرهای پیش‌رونده^{۴۲}، مسیرهای دسترسی^{۴۳} و مسیرهای گسترشی^{۴۴}. طبقه آخر، یعنی مسیرهای گسترشی، موضوع بحث ما در این مقاله است.

۳-۱-۴- مسیرهای گسترشی

«یک مسیر گسترشی، ترسیم شکل، جهت، یا مکان شیئی است که در مکان و در قالب مسیری فراتر از مرزهای آن شیء گسترش می‌یابد. آنچه در اینجا واقعی است بازنمود شیء به مثابه موجودیتی ساکن و ایستا است که از مسیرهای ترسیم‌شده گذر نمی‌کند و آنچه فرضی است، بازنمود موجودیتی است که در امتداد یا فراتر از شکل (و مرزهای) شیء حرکت می‌کند.»

(تالمی، ۲۰۰۰: ۱۳۸)

موجودیتی که به طور فرضی در حرکت است می‌تواند به سه شکل تصور شود: مشاهده‌گر، مرکز توجه ناظر و خود شیء. تالمی سه نوع حرکت را برای مسیرهای گسترشی توضیح می‌دهد و برای هر کدام مثالی از زبان انگلیسی می‌آورد (همان):

(۱) در نوع اول مسیر فرضی **خطی** در نظر گرفته می‌شود:

20) The fence goes/zigzags/ descends from the plateau to the valley.

(نرده از بلندی تپه به دره می‌رود/ ماریچ می‌رود/ سرازیر می‌شود.)

۲۰- الف) نرده از بلندی تپه به دره می‌رود.

-
36. orientation paths
 37. radiation paths
 38. shadow paths
 39. sensory paths
 40. pattern paths
 41. frame-relative motion
 42. advent paths
 43. access paths
 44. coextension paths

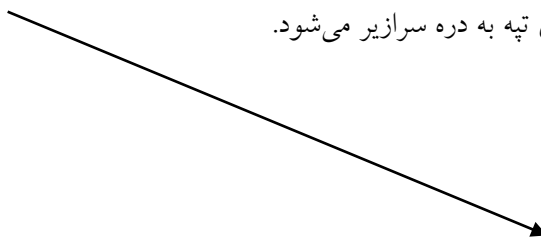
شکل شماره (۱). حرکت خطی (الف)

۲۰- ب) نرده از بلندی تپه به دره، مارپیچ/ زیگزاگی می‌رود.



شکل شماره (۲). حرکت خطی (ب)

۲۰- ج) نرده از بلندی تپه به دره سرازیر می‌شود.



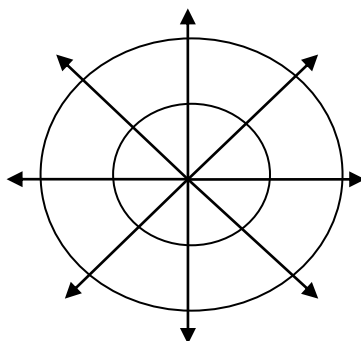
شکل شماره (۳). حرکت خطی (پ)

در مثال‌های (۲۰-الف) تا (۲۰-ج) با بازنمودی فرضی از حرکت مواجهیم که در آن مشاهده‌گر، مرکز توجه ما یا تصویری از خود نرده در امتداد محور آن پیش‌روی می‌کند و از یک سر نرده در بالای تپه، در امتداد طول آن، به یک سر دیگر نرده، در دره حرکت می‌کند.

۲) در نوع دوم مسیر فرضی به صورت شعاعی روی یک سطح دویبعدی به طرف بیرون گسترش می‌یابد:

21) The field spreads out in all directions from the granary.

(مزرعه، از قسمت انبار غله، به همه جهت‌ها گسترده شده است.)

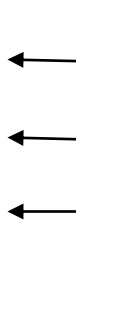


شکل شماره (۴). حرکت شعاعی

۳) در نوع سوم مسیر فرضی حرکت یک خط به کنار (یک خط شمالی-جنوبی که به طرف شرق پیش‌روی می‌کند) است که با یک تغییر فرضی ثانوی نیز همراه است؛ چنان‌که در مثال (۲۲)، نه‌تنها حرکت فرضی خاک بیان شده، بلکه بر تغییر رنگ آن به سرخی نیز تأکید شده است:

22) The soil reddens toward the east.

خاک (در حرکت) به سمت شرق، سرخ می‌شود.



شکل شماره (۵). حرکت کناری

گفتنی است به نظر می‌رسد مسیرهای گسترشی در زبان انگلیسی دارای انواع بازنمودهای مکانی و زمانی هستند. منظور از بازنمود زمانی به کار بردن اصطلاحات یا عباراتی است که به زمان اشاره می‌کنند، مانند مثال (۱۰)، و منظور از بازنمود مکانی کاربرد عباراتی است که به مسافت و مانند آن نظر دارند، مانند جمله (۲۳):

23) Path goes upstream for two miles. (والینسکی، ۲۰۱۳: ۸)

۲-۳- ساختار جمله‌های بیانگر حرکت فرضی

به گفته متلاک (۲۰۰۴b) جمله‌های بیانگر حرکت فرضی معمولاً از ترکیب یک شیء متحرک یا رد حرکت، یک یا چند مرزنامه^{۴۵} و یک فعل حرکتی تشکیل می‌شوند. ترسیم تصویری از رد حرکت که معمولاً در جایگاه گروه فاعلی جمله قرار دارد، می‌تواند با ترکیب معنای مرزنامه و فعل حرکتی کامل شود:

45. landmark

(۲۴) جاده از تهران به اصفهان می‌رود.

رد حرکت: جاده

مرزناها: تهران و اصفهان

فعل حرکتی: می‌رود

25) The road runs along the coast.

trajector: the road

landmark: the coast

motion verb: runs

متلاک پس از برشمردن اجزاء این نوع جملات، ضرورت وجود هر یک از این اجزاء را یادآور می‌شود. به گفته او، شیء متحرک معمولاً شیئی بی‌جان است و باید نسبتاً طویل یا (به لحاظ مکانی) قابل گسترش باشد^{۴۶}.

۴- گردآوری و تحلیل داده‌ها

چنان‌که در مقدمه مقاله اشاره شد، روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش وام‌گرفته از والینسکی (۲۰۱۳) در مقاله‌ی زمان‌مندی عبارت‌های مسیرهای گسترشی در پیکره ملی بریتانیایی^{۴۷} است؛ بر این اساس، ما برای جستجو مرزناهایی را برگزیدیم که می‌توانند به صورت بالقوه در عبارات مسیرهای گسترشی جلوه‌گر شوند. همچنین با در نظر داشتن دسته‌بندی والینسکی از افعال حرکتی انتخابی خود برای جستجو، تعدادی از افعال حرکتی متناسب را در زبان فارسی برای جستجو انتخاب کردیم. سپس هر یک از مرزناها را با افعال حرکتی متناسب در پایگاه داده‌های زبان فارسی و نیز جویشر گوگل جستجو کردیم. والینسکی (۲۰۱۳) در مقاله خود به این اشاره می‌کند که عبارات حرکت فرضی به طور بالقوه دربردارنده‌ی بازنمودهای زمانی مسافت هستند. او در مقاله خود بازنمودهای زمانی را در نوع مسیرهای گسترشی حرکت فرضی در زبان انگلیسی بررسی کرده است؛ از این رو، مرزناها و افعال حرکتی انتخاب‌شده را با دسته‌ای از اصطلاحات زمانی یا عبارات اشاره‌کننده به مدت زمان^{۴۸} ترکیب و آنها را در پیکره^{۴۹} جستجو کرده است.

۴۶- این ویژگی برای مسیرهای گسترشی بیان شده است.

47. Temporality of Coextension Path Expressions in the British National Corpus

48. duration

49. The British National Corpus

اگرچه زمان‌مندی عبارات حرکت فرضی موضوع این پژوهش نیست اما ما نیز چند اصطلاح زمانی^{۵۰} را در فارسی برگزیده و آنها را جستجو کردیم. این بخش دربردارندهٔ مرزناها و افعال انتخاب‌شده برای جستجو و نتایج این جستجو است.

مرزناهای انتخاب‌شده:

مسیرهای قابل عبور؛ یعنی مسیرهای قابل رفت‌وآمد: خیابان، کوچه، اتوبان، پل، پیاده‌رو، تونل، مسیر، راه‌آهن.

موجودیت‌های طبیعی (بیشتر) قابل عبور: ساحل، کویر، زمین کشاورزی، جزیره، جنگل، درخت‌کاری.

رساننده‌های غیرقابل عبور، که کاربردشان عمدتاً انتقال انرژی یا حمل مواد در مسافت طولانی است: سیم، کابل، سیم‌کشی.

موانع غیرقابل عبور؛ یعنی موجودیت‌هایی که در مکان گسترش یافته‌اند و معمولاً در آنها رفت و آمد نمی‌شود: نرده، سد، حصار، دیوار (والینسکی، ۲۰۱۳: ۲).

در این پژوهش از پایگاه داده‌های زبان فارسی و جویسگر گوگل به عنوان پیکره استفاده کردیم. واژه‌های جستجو را در پایگاه داده‌های زبان فارسی جستجو کردیم. این پیکره با وجود اینکه شماری از آثار داستانی فارسی معاصر را دربردارد، نتیجه‌ای برای ما به همراه نداشت و تقریباً هیچ داده‌ای از جستجو در این پیکره به دست نیاوردیم. جویسگر گوگل به دلیل دربرداشتن حجم بیشتری از محاوره‌ها و گفتگوهای روزمرهٔ فارسی معاصر، نتایج بیشتری را پیش روی ما گذاشت. مسیرهای انتخاب‌شده، مسیرهای افقی قابل عبور، افقی غیرقابل عبور و مسیرهای عمودی را دربرمی‌گیرند. در این قسمت، مسیرها و افعال حرکتی جستجو شده را به همراه نتایج جستجو می‌آوریم.

مسیرهای قابل عبور

جاده + رد می‌شه:

۱- جادهٔ شمال، قسمتی که از وسط جنگل رد می‌شه، پر از لاشهٔ بچه‌گزارهای کوچیکه.

۵۰- باز نمود اصطلاحاتی را که به زمان اشاره می‌کنند، در عبارات بیانگر حرکت فرضی در زبان انگلیسی می‌توان در مثال (۱۰) مشاهده کرد. ما نیز چند اصطلاح اشاره‌کننده به زبان را در زبان فارسی برای جستجو برگزیدیم.

- ۲- جاده لعنتی آسیایی، درست از وسط پارک ملی و زیستگاه آهوها و گوزن‌ها رد می‌شود.
- ۳- قزوین پیست اسکی زدن، از وسط پیست جاده رد می‌شود.
- ۴- کمربندی میاد از وسط تالار رد می‌شود.
- ۵- جاده قدیمی باصفاتره و از وسط جنگل رد می‌شود.
- ۶- خط سفید وسط جاده دونه به دونه رد می‌شود.
- ۷- خیلی جاها هست تو دنیا که جاده از وسط جنگل رد می‌شود.
- ۸- این همه جاده که از وسط روستا رد می‌شود.
- ۹- یک پل زیرگذر که از زیر اتوبان رد می‌شود.

جاده+ می‌گذرد: نمونه‌ای یافت نشد.

اتوبان+ می‌گذرد:

- ۱- فرودگاه گیرالتار از وسط اتوبان می‌گذرد.
- ۲- اتوبان شرقی از زیر پام با سرعت باد می‌گذرد.
- ۳- اتوبان از وسط برج می‌گذرد.
- ۴- یک پل عابریاده‌س که دقیقاً از روی اتوبان مدرس می‌گذرد.
- ۵- قرار بود مسیری از پیچ آخر بزرگراه آرین که به پل دکتر حسابی می‌رسد، به صدرا برسد.
- ۶- در مورد اتصال آزادراه به کمربندی اطلاعی نداریم. فقط می‌دونیم از تنگ خیاره بیضا می‌گذرد و به صدرا و شیراز می‌رسد.
- ۷- درختانی که تو عکس دیده می‌شن، در مسیر بزرگراه هستن و قطع می‌شن یا اینکه بزرگراه از شون عبور می‌کنه؟
- ۸- بزرگراه از کنارشون رد می‌شود.
- ۹- اتوبان شیراز اصفهان که قراره از صدرا عبور کنه.
- ۱۰- بزرگراه آرین در تقاطع کمربندی در ورودی دینکان متوقف می‌شود.
- ۱۱- این پل از روی تقاطعات رحمت و مطهری امیرکبیر عبور می‌کند.
- ۱۲- اتوبان خلیج فارس که از شوشتر هم می‌گذرد چی شد؟

۱۳- اتوبانی که از داخل ساختمان می‌گذره.

اتوبان + رد می‌شه: نمونه‌ای یافت نشد.

پل + می‌گذره:

- ۱- اینم پل پنجم باید باشه...، از روی راه‌آهن می‌گذره.
- ۲- این پل از بین شهر تزییا اوچجوی می‌گذره.
- ۳- یکی از زیباترین خطوط راه‌آهن جهان رو ببینیم که در کشور سوئیس واقع شده و از کوه آلپ می‌گذره.
- ۴- این راه‌آهن زیبا در مسیرش از ۴۲ تونل و ۱۴۴ پل می‌گذره.
- ۵- پلی در حال ساخته شدن (که) از زیرش قسمتی از پل ۱۸۰۰ ساله گرگر می‌گذره.
- ۶- نصف‌النهار مبدأ از این رصدخانه می‌گذرد.
- ۷- خیابونش از زیر پل می‌گذره.

پلکان + می‌ره:

- ۱- پلکانی که می‌بینید به طبقه بالا می‌ره.
- ۲- درست کنار همین پلکان، پلکان دیگه‌ای هست که بالاتر از پلکان قبلی می‌ره و به یه کلیسا می‌ره.
- ۳- این پلکانی که می‌گه، می‌ره سمت جهنم.
- ۴- قسمت بالای این پلکان‌ها هم نهایتاً به این قسمت‌های وسط هر یک از قاچ‌های طبقه دوم می‌رسه.

رساننده‌های غیرقابل عبور

سیم کابل + می‌ره:

- ۱- سیم تلفن تا برسه به مخابرات ۱۰۰۰۰۰ قسمت شده.
- ۲- سیم تلفن از کنار کابل برق رد شده باشد.
- ۳- کابل RCA هم از رکاب سمت شاگرد می‌ره تا عقب کابل برق.
- ۴- کابلی که از گوشی به درب (در) می‌ره قطع شده.

۵- سیم نول از نیروگاه نمیداد.

۶- یه کابل از پریش میاد وارد ورودی اسپلیتر می‌شه.

۷- سیم تلفتون از چند جا به پریش رفته؟

۸- فقط (باید) به سیمی که می‌ره به مودم وصل باشه.

۹- سیم (کابل) از پایین میاد، نه از بالا.

دیوار + می‌ره: نمونه‌ای یافت نشد.

دیوار + می‌گذره: نمونه‌ای یافت نشد.

مسیرهای عمودی:

نوک برج + رفته:

۱- نوک اون برج (رو) نوک‌تیز ساختن تا به نظر بیاد تا اوج آسمون رفته.

۲- این برج از آجر و ملات گچ و آهک ساخته شده و مقطع آن ستاره‌ای شکل است که

به صورت مخروط بالا رفته است.

۳- یک طراحی ماریچی ... برای حمایت از هسته ساختاری برج که با بالا رفتن باریک

می‌شود به کار رفته است.

اصطلاحات زمانی:

جاده + ده دقیقه + می‌ره: نمونه‌ای یافت نشد.

پل + ده دقیقه + می‌گذره: نمونه‌ای یافت نشد.

در پایان جستجو، برای آنکه روشن شود آیا اصطلاحات مسافتی در مسیرهای گسترشی حرکت

فرضی در زبان فارسی به کار می‌رود یا خیر، چند اصطلاح به عبارت‌های جستجو اضافه و در

بیکره جستجو شد:

جاده + چند قدم + می‌ره: نمونه‌ای یافت نشد.

جاده + چند کیلومتر + می‌ره: نمونه‌ای یافت نشد.

کوچه + چند قدم + می‌ره: نمونه‌ای یافت نشد.

پیاده‌رو + صد متر + می‌ره: نمونه‌ای یافت نشد.

بر اساس این جستجو، بیشترین یافته‌ها به ترتیب مربوط به مسیرهای (افقی) قابل عبور، رساننده‌های غیرقابل عبور و مسیرهای عمودی بودند.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، عبارات بیانگر حرکت فرضی را از نگاهی می‌توان دو نوع در نظر گرفت (متلاک، ۲۰۰۴b). نوع اول، عباراتی که در آنها گروه اسمی فاعل مجازاً به حرکت ربط پیدا می‌کند، مانند "the road" در مثال (۱۰) که با رانندگی کردن پیوند خورده است. نوع دوم، عباراتی از حرکت فرضی که در آنها مصداق گروه اسمی فاعل با حرکت پیوندی ندارد و اغلب یک شیء خطی غیرقابل عبور است، مانند "fence" در مثال (۶). نمونه‌های به دست آمده گویای این است که در زبان فارسی جملات بیانگر حرکت فرضی از هر دو نوع یافت می‌شوند. به عبارت دیگر، اگر ما جملات دربردارنده حرکت فرضی را بر اساس قابل عبور یا غیرقابل عبور بودن مسیر، دو نوع در نظر بگیریم، می‌توان گفت که در زبان فارسی افعال حرکتی در توصیف موقعیت‌های ساکن، هم برای مسیرهای افقی قابل عبور و هم مسیرهای افقی غیرقابل عبور به کار می‌روند؛ اگرچه کاربرد آنها برای مسیرهای قابل عبور از بسامد بالاتری برخوردار است. ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که بر اساس پژوهش ماتسوموتو (۱۹۹۶) به نقل از روخو و والنزوتلا، (۲۰۰۳) در زبان ژاپنی نیز فعل حرکتی در جملات بیانگر حرکت فرضی، فقط برای مسیرهای قابل عبور به کار می‌رود، مسیریایی که به طور طبیعی می‌توانند محل رفت‌وآمد انسان‌ها باشند، یعنی حضور موجودیت‌های غیرقابل عبوری مانند دیوار، سیم و مانند آن، در جملات بیانگر حرکت فرضی در ژاپنی، پذیرفته نیست. ماتسوموتو این نکته را بیان می‌کند که افعال حرکتی در ژاپنی به این دلیل نمی‌توانند برای مسیرهای غیرقابل عبور به کار روند که این کاربرد، یعنی توصیف مسیرهای غیرقابل عبور با افعال حرکتی، نیازمند آن است که این افعال از سطح بالایی از انتزاع برخوردار باشند، در حالی که افعال حرکتی ژاپنی چنین قابلیت را ندارند.

با مشاهده نمونه‌هایی از جملات بیانگر حرکت فرضی در زبان انگلیسی و مقایسه آنها با هم‌تاهای خود در زبان فارسی می‌توان نکاتی را دریافت که به آنها اشاره می‌کنیم.

در زبان انگلیسی، افعال حرکتی متنوع‌تری برای اشاره به موجودیت‌های ساکن به کار می‌روند. به طور کلی، جملات بیانگر حرکت فرضی در انگلیسی موقعیت‌های ساکن را به صورت‌های مختلفی توصیف می‌کنند:

الف) تأکید این جملات گاهی بر اطلاعاتی است درباره موقعیت مکانی مسیر یا موجودیت ساکن، اینکه در کجا قرار دارد:

26) The lake runs between the golf course and the train tracks. (۲۰۰۴a)
(متلاک،

دریاچه بین زمین گلف و راه‌آهن قرار دارد.

(در اینجا فعل ربطی "is" می‌تواند جایگزین فعل حرکتی "run" شود، بدون اینکه در معنای جمله تغییری ایجاد شود.)

گاه این موقعیت مکانی به شکل عبور فرضی مسیر یا موجودیت ساکن بیان می‌شود^{۵۱}:

27) Road 49 crosses the desert. (متلاک، ۲۰۰۱)

جاده ۴۹ از کویر عبور می‌کند.

ب) گاهی نیز اطلاعاتی درباره حالات ظاهری و نحوه استقرار آن موجودیت ساکن ارائه می‌دهد:

28) The path climbed to the top of the hill. (۲۰۰۳، والزنوئا،)

مسیر به سمت بالای تپه بالا می‌رود.

در این مثال، فعل حرکتی در واقع به شیب تند مسیر اشاره می‌کند.

پ) گاهی نیز افعال حرکتی اطلاعاتی درباره چگونگی حرکت متحرک‌هایی که (به طور بالقوه) معمولاً در یک مسیر حرکت می‌کنند، به دست می‌دهد:

29) The highway jets through the city.

بزرگراه به سرعت از داخل شهر عبور می‌کند.

30) The highway crawls through the city.

بزرگراه به کندی از داخل شهر عبور می‌کند. (ترسیم بزرگراهی که معمولاً در آن ترافیک وجود دارد و اتومبیل‌ها به آهستگی در آن تردد می‌کنند.)

بر خلاف تنوع کاربرد این جملات در انگلیسی، در زبان فارسی این کاربرد بسیار محدود است و فقط تعدادی از افعال مسیرنما^{۵۲} در ساختار این جملات به کار می‌روند:

(۳۱) جاده از وسط جنگل رد می‌شود.

(۳۲) فرودگاه از وسط اتوبان می‌گذرد.

(۳۳) یک پل عابریاده از روی اتوبان مدرس می‌گذرد.

به نظر می‌رسد در فارسی فقط برای ترسیم موقعیت مکانی یا عبور فرضی موجودیت‌های ساکن از عبارات بیانگر حرکت فرضی استفاده می‌شود. اگرچه با اطمینان می‌توان گفت کاربرد این جملات در فارسی بسیار محدودتر از انگلیسی است، اما کاربرد جمله‌هایی که در آنها فعل حرکتی اطلاعاتی درباره متحرک‌های بالقوه مسیر ارائه می‌دهد، می‌تواند در گونه ادبی فارسی موضوع بررسی و پژوهش قرار گیرد.

(ت) گاهی نیز در زبان انگلیسی اصطلاحات زمانی یا مکانی در این عبارات مشاهده می‌شوند:

34) The road runs along the coast for 2 hours.

35) The Path goes upstream for two miles.

ظاهراً حضور مؤلفه‌ای چون زمان در عبارات مسیرهای گسترشی حرکت فرضی در زبان انگلیسی تا جایی اهمیت دارد که به تنهایی موضوع یک مقاله قرار می‌گیرد^{۵۳}؛ این در حالی است که با توجه به شواهد به دست آمده به نظر می‌رسد در زبان فارسی، در ساختار جملات بیانگر حرکت فرضی، مؤلفه زمان نقشی ندارد. همچنین در زبان انگلیسی در حرکت فرضی شاهد وجود اصطلاحاتی هستیم که بر مسافت دلالت می‌کنند، در حالی که با مشاهده نتایج جستجو به نظر می‌رسد این مؤلفه نیز در حرکت فرضی در زبان فارسی کاربردی ندارد.

۵- نتیجه‌گیری

چنان‌که گفته شد، در این بررسی، ما به این نکته پرداختیم که حرکت فرضی از نوع مسیرهای گسترشی چقدر در زبان فارسی کاربرد دارد. به این منظور مسیرهای افقی قابل عبور، افقی غیرقابل عبور و مسیرهای عمودی را برای جستجو انتخاب کردیم.

52. Path verbs

۵۳- والینسکی (۲۰۱۳) مؤلفه زمان را به تنهایی در مسیرهای گسترشی حرکت فرضی در زبان انگلیسی بررسی می‌کند.

باتوجه به نمونه‌های به دست آمده، به نظر می‌رسد فارسی‌زبانان هنگام توصیف آن دسته از موقعیت‌های ساکن که به نوعی با حرکت پیوند خورده‌اند (نوع اول)، بیشتر مایل به استفاده از افعال حرکتی هستند. در بیشتر نمونه‌ها، افعال حرکتی اشاره‌کننده به موقعیت‌های ساکن به عبور و رد شدن آن مسیرها اشاره دارند و در واقع، عبور اتفاق یا ویژگی مخصوص موجودیت‌های متحرکی است که در آن مسیرها واقع می‌شوند. بنابراین، شاید بتوان گفت مفهوم حرکت فرضی در زبان (فارسی)، محصول فرایند 'باهم‌آیی' است.^{۵۴} به بیان ساده‌تر، لفظی که به مسیر یا شیء دلالت می‌کند، با فعل حرکتی باهم‌آیی می‌یابد و مفهوم حرکت فرضی شکل می‌گیرد.

ویژگی آشکار دیگری که در کاربرد این عبارات (از نوع مسیرهای گسترشی) در زبان فارسی مشاهده می‌شود، این است که عبارات حرکت فرضی در فارسی فقط با افعال مسیرنما به کار می‌روند. یعنی در نوع مسیرهای گسترشی حرکت فرضی، دست‌کم در فارسی گفتاری، ما شاهد به کار رفتن افعالی چون رفتن، گذشتن، رد شدن، رسیدن و مانند آن هستیم. در حالی که در همین نوع از عبارات در زبان انگلیسی، همه افعالی که برای رویدادهای حرکتی در معنای واقعی به کار می‌روند، در حرکت فرضی نیز کاربرد دارند. بنابراین در زبان انگلیسی، انواع افعال شیوه‌نما برای توصیف موقعیت‌های ساکن به کار می‌روند، در حالی که در حرکت فرضی در زبان فارسی (گفتاری) ما فقط شاهد کاربرد افعال حرکتی مسیرنما هستیم.

توضیحات متلاک در مقاله/انگیزش مفهومی حرکت فرضی درباره کاربرد افعال شیوه‌نما بسیار جالب است. وی به این نکته اشاره می‌کند که افعال شیوه‌نما در عبارات بیانگر حرکت فرضی فقط در بردارنده اطلاعاتی درباره سرعت یا شیوه حرکت نیستند؛ این افعال حتی ممکن است در بردارنده اطلاعاتی درباره حالت‌های جسمی یا عاطفی متحرک‌ها باشند. مانند جمله (۳۶):

36) The footpath staggers from the bar to the outhouse. (متلاک، ۲۰۰۴a)

پیاده‌رو از میخانه تا مستراح تلوتلو می‌خورد.

در این مثال، فعل حرکتی شیوه‌نما یعنی "stagger" در واقع حالت مستی افرادی را که در مسیر بین میخانه تا مستراح تلوتلوخوران حرکت می‌کنند، به خود مسیر نسبت می‌دهد. این گونه کاربرد، همان‌طور که متلاک (۲۰۰۴a) اشاره کرده است، رنگ‌وبویی ادبی دارد و اگرچه با

اطمینان می‌توان گفت در فارسی، در گونه گفتاری، افعال شیوه‌نما را در جملات بیانگر حرکت فرضی به کار نمی‌بریم اما کاربرد این افعال در عبارات حرکت فرضی، در گونه ادبی زبان فارسی، می‌تواند خود موضوع پژوهش قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر مؤید این نکته بود که اگرچه نسبت دادن حرکت به موجودیت‌های فاقد توانایی حرکت یک ویژگی شناختی بشر قلمداد می‌گردد، اما باز نمود زبانی آن به میزان قابل توجهی تحت تأثیر ساخت و قراردادهای زبانی قرار دارد. دست‌کم در حرکت فرضی از نوع مسیرهای گسترشی، ظاهراً زبان فارسی (گفتاری) گرایش چندانی به این کاربرد نشان نمی‌دهد و با محدودیت‌هایی مواجه است. با مشاهده حرکت فرضی در زبان فارسی و نتیجه پژوهش‌ها در زبان‌های دیگری مانند ژاپنی و مقایسه آنها با انگلیسی، این نکته را درمی‌یابیم که ظاهراً زبان انگلیسی در مقایسه با این زبان‌ها تمایل بیشتری به استفاده از حرکت فرضی نشان می‌دهد و همچنین نسبت به زبان‌های دیگر ابزارهای متنوع‌تری برای بیان حرکت فرضی در اختیار دارد.

در این زمینه، شایسته است به نتیجه پژوهشی که ماتسوموتو (۱۹۹۶) به نقل از روخو و والنزولا، (۲۰۰۳) از مقایسه حرکت فرضی در انگلیسی و ژاپنی به دست می‌آورد، توجه کنیم. نکته‌ای که او یادآور می‌شود، محدودیتی است که افعال حرکتی در ژاپنی برای اشاره به موقعیت‌های ساکن دارند. این افعال نمی‌توانند برای اشاره به موجودیت‌های ساکن غیرقابل عبور (مانند دیوار) به کار روند، زیرا این گونه کاربرد به درجه بالایی از انتزاع نیاز دارد که این افعال فاقد آن هستند. همچنین توجه به برخی نکاتی که روخو و والنزولا (۲۰۰۳) در مقایسه جملات بیانگر حرکت فرضی در انگلیسی و اسپانیایی به دست آورده‌اند، سودمند به نظر می‌رسد. آنها در خصوص جمع‌آوری داده از پیکره‌های خود از هر دو زبان، به کم بودن عبارات بیانگر حرکت فرضی در اسپانیایی، در مقایسه با انگلیسی اشاره می‌کنند. همچنین این نکته را یادآور می‌شوند که در زبان انگلیسی در مقایسه با اسپانیایی از افعال حرکتی بیشتر و همچنین مسیرهای متنوع‌تری در عبارات بیانگر حرکت فرضی استفاده می‌شود. بعید نیست با پژوهش‌های بیشتر در حوزه حرکت فرضی در زبان‌های دیگر، این نکته حاصل شود که باز نمود حرکت فرضی در زبان بتواند به عنوان یک ملاک رده‌شناسی شناختی به کار رود، اگرچه این امر نیازمند انجام پژوهش‌های مفصلی است.

منابع

- ازکیا، ندا و فرهاد ساسانی (۱۳۹۱). واژگانی شدن در فعل‌های حرکتی فارسی: الگویی تازه. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، سال ۸، شماره ۱، ۸۲-۱۰۲.
- پشتوان، حمیده، فریده حق‌بین و آریتا افراشی (۱۳۹۴). بازنمود رویدادهای حرکتی در گفتار روایی کودکان فارسی‌زبان در نگرش شناختی. *دوماهنامه جستارهای زبانی*، دوره ۶، شماره ۳ (پیاپی ۲۴)، ۱۹-۴۳.
- گلفام، ارسلان، آریتا افراشی و غزاله مقدم (۱۳۹۲). مفهوم‌سازی افعال حرکتی بسیط زبان فارسی: رویکردی شناختی. *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال ۱، شماره ۳، ۱۰۳-۱۲۲.
- مسگر خوبی، مریم (۱۳۹۲). *بازنمود رویداد حرکتی در زبان فارسی: رویکردی شناختی*. رساله دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Cacciari, C., N. Bolognini, I. Senna, M. C. Pellicciari, C. Miniussi and C. Papagno (2011). Literal, Fictive and Metaphorical Motion Sentences Preserve the Motion Component of the Verb: A TMS Study. *Brain and Language*, 119(3), 149-157.
- Finke, R. A. (1986). Mental Imagery and the Visual System. *Scientific American*, 254, 85-88.
- Glenberg, A. M. (1999). Why Mental Models must be Embodied. In G. Rickheit, & C. Habel (Eds.), *Mental Models in Discourse Processing and Reasoning*, (pp. 77-90). New York: North-Holland.
- Matlock, T. (2001). *How Real is Fictive Motion?*. Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy in Psychology, University of California Santa Cruz.
- Matlock, T. (2004a). The Conceptual Motivation of Fictive Motion. In: G. Radden & K. Panther (Eds.), *Studies in Linguistic Motivation [Cognitive Linguistics Research]*, (pp. 221-248). New York and Berlin: Mouton de Gruyter.
- Matlock, T. (2004b). Fictive Motion as Cognitive Simulation. *Memory & Cognition*, 32(8), 1389-1400.
- Matsumoto, Y. (1996). Subjective Motion in English and Japanese Verbs. *Cognitive Linguistics*. 7(2), 183-226.
- Martinez-Losa, N. J. (2007). Towards a Typology of Fictive Motion Events: Review of Existing Proposals and Presentation of New Perspectives. *Interlingüística*, 17, 562-569.
- Rojo, A. and J. Valenzuela (2003). Fictive Motion in English and Spanish. *International journal of English Studies*, 3(2), 123-149.
- Shephard, R. N. (1978). The Mental Image. *American Psychologist*, 33, 125- 137.

- Takahashi, K. (2000). *Expressions of Emanation Fictive Motion Events in Thai*. Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy in Linguistics, Chulalongkorn University.
- Talmy, Leonard (2000). *Toward A Cognitive Semantics*. Vol. 1: Concept Structuring System. Cambridge: The MIT press.
- Waliński, Jacek Tadeusz (2013). Temporality of Coextension Path Expressions in the British National Corpus. In: *COST TIMELY Research Report*. No. 04.